



## نقد بینامتنیت دینی اشعار أبوالعلاء المعري با اعتقادات شیعه (رسالة الغفران، دیوان اللزومیات وسقط الزند)

پدیدآورنده (ها) : امرائی، محمدحسن؛ ناصرهرسینی، بهبود  
علوم قرآن و حدیث :: همایش همایش بین المللی تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث  
:: دوره 1؛ 26/04/1400 - 26/04/1400  
از 55 تا 78

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1803076>

دانلود شده توسط : aaaa aaaa

تاریخ دانلود : 27/06/1400

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## نقد بینامتنیت دینی اشعار ابوالعلاء المعری با اعتقادات شیعه (رسالة الغفران، دیوان اللزومیات وسقط الزند)

محمدحسن امرائی<sup>۱</sup>

بهیود ناصری هرسینی<sup>۲</sup>

### چکیده

ابوالعلاء المعری، شاعر، فیلسوف، زبان‌شناس برجسته و نابینای عرب در دوره عباسی است که در میان ادیبان به خیام عرب شهرت یافته است. نظرات در مورد دیانت ابی العلاء متناقض است. برخی او را اندیشمندی بدبین به دین دانسته و او را از منتقدان معتقدات اسلام و دیگر ادیان به‌شمار آورده و نهایتاً به کفر و زندقه متهم کرده‌اند. در مقابل، برخی دیگر همانند طه حسین و شوقی ضیف این اتهامات را رد کرده و معتقدند که او اندیشمندی موحد و پارسا بوده است. در همین راستا، برخی اشعار وی با اعتقادات شیعه تناص مضمونی و دینی دارد که می‌توان آن را تأییدی در آراء طه حسین، شوقی ضیف در این مورد تلقی کرد. از جمله این اعتقادات شیعی و اسلامی، می‌توان به سرخ شدن آسمان در شهادت امام حسین (علیه السلام)، شجاعت امام علی (علیه السلام)، بازتاب داستان اصحاب کساء، آفرینش چهارده معصوم قبل از آفرینش سایر مخلوقات، عاقبت نابودی دشمنان با امامان (علیهم السلام)، عشق به اهل بیت، ظلم‌ستیزی آل علی (علیهم السلام) و سطوت و صولت آنان، ستاره زمین بودن امامان (علیهم السلام)، بازتاب غدیر خم، طلب شفاعت از حضرت فاطمه (علیها السلام) و ولایت امام علی (علیه السلام) و ... اشاره کرد. تا جایی که وی در رساله الغفران، از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حضرت فاطمه (علیها السلام) به‌عنوان شفیع نام می‌برد. در این مقاله، با اعتماد به روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا به صورت موجز و خلاصه برخی اعتقادات شیعه با استناد به آیات و روایات توضیح داده شده، سپس بینامتنیت دینی اشعار ابوالعلاء با آن مضامین دینی و اسلامی به بوته نقد و تحلیل ادبی گذارده شده است.

**کلید واژه‌ها:** ابوالعلاء المعری، بینامتنیت دینی، شیعه، اللزومیات، سقط الزند، رسالة الغفران.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه ولایت، ایرانشهر

۲. دکترای تخصصی زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه

## ۱. مقدمه و بیان مسأله

تأملی اندک در ادبیات متعهد شیعه نشان می‌دهد که ادبیات شیعه پیوسته مورد بی‌مهری برخی ناقدان ادبی واقع گشته و آنان تا آنجا که می‌توانسته‌اند از ذکر نام ادیبان و سرایندگان متعهد شیعه در کتاب‌هایشان چشم‌پوشی نموده و اگر هم به دلیل شاخص بودن سرایندگان شیعه، ناچار بودند نامی از ایشان به میان آورند؛ همواره تلاش فراوانی در جهت زشت جلوه دادن چهره این سرایندگان داشته‌اند تا رویکرد واقعی و متعهد آنان را در هاله‌ای از ابهام فرو برند (ر.ک: مختاری، ۱۳۸۴: ۹). معری، از شخصیت‌های ادبی جهان اسلام است که برخی اشعارش، رگه‌هایی از گرایش وی به معتقدات شیعه را در خود بازتاب داده است؛ اما نه تنها این قضیه در بررسی‌های صاحب‌نظران داخل و خارج از کشور مغفول مانده است، بلکه چهره این شاعر فیلسوف و اندیشمند عرب را با اتهام به الحاد و کفر و زندقه، مشوش نموده‌اند. هدف اساسی این مقاله، بررسی توصیفی - تحلیلی اشعار معری و استخراج برخی آموزه‌های دینی و اسلامی در اشعار اوست که احیاناً از چشم برخی ناقدان و صاحب‌نظران پنهان مانده و در موارد بسیاری مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین توصیفات، صرف نظر از آراء متناقض ناقدان در مورد دیانت معری، در این پژوهش سعی فراوان شده است تا نشان داده شود که برخی اشعار معری با اعتقادات تشیع، بلکه جهان اسلام تطابق و همخوانی مضمونی و بینامتنی دارد.

### ۱-۱. معری و قدرت علمی و ادبی او

أحمد بن عبدالله بن سلیمان القضاعی التنوخی المعری (۲۷ ربیع الاول سال ۳۶۳ - ۴۴۹ ق / ۲۶ دسامبر ۹۷۳ - ۱۰۵۷ م) شاعر، فیلسوف، زبان‌شناس و اندیشمند برجسته و نابینای عرب است که در تاریخ ادبیات عرب از شخصیت‌های مشهور به شمار می‌رود. وی «همچون تولستوی، صاحب مکتبی فکری و ادبی است که به خردورزی و زندگی ساده دعوت می‌کند» (متز، ۱۳۶۴: ۳۸۱/۲؛ شهدادی (۱۳۸۲) در مقاله «زندگی و فلسفه ابوالعلاء معری» می‌نویسد: سیطره علمی او در ادبیات عرب بر هیچ پژوهشگری، و حتی بر هیچ آشنایی با ادبیات عرب، پوشیده نیست. قدرت شگرف حافظه او توان تحلیل و ترکیب و ابتکار و آفرینش‌گریش در ایجاد اسلوب‌های روان و در عین حال پیچیده و نیز احاطه حیرت‌آورش بر لغت، شعر و عروض و علوم ادبی، کم‌نظیر است. شاگردش، خطیب تبریزی، گفته است که «گمان ندارم عرب کلمه‌ای داشته باشد که ابوالعلا نداند» (طه حسین، ۱۹۶۵: ۳۱۵). وی از لحاظ هوش و حافظه در تاریخ عرب بی‌نظیر بوده است. تا جایی که در ابتدای عمر، قرآن را به چندین روایت، نزد چند تن از شیوخ زمانش فرا گرفت. طه حسین، او را بر همه شاعران و نویسندگان عرب در اتقان و

وسعت و عمق معرفت و آگاهی بر تری می دهد (همان: ۳۱۵). می توان گفت که «ابوالعلاء خرمند بزرگی بود که نمی توانست به هنگام تعمق زمام حافظه و عاطفه خود را در دست داشته باشد. او بسیاری آراء گوناگون و مذاهب متباین را شنیده بود و از هریک چیزی در گنجینه خاطر خود ضبط کرده بود، در عین حال تحت تأثیر عقائد فاطمیان بود. وی کلیات فلسفه متنبی را در نظر داشت و با آراء معتزله، اسماعیلیه و غیر آنها نیز آشنایی داشت» (فاخوری، ۱۳۸۱: ۵۰۸). معری، علاوه بر آگاهی های لغوی و ادبی، با ادیان، مذاهب، نحله ها و علوم عقلی نیز آشنایی داشته است. واقع گرایی یا رئالیسم علمی، از مباحث اساسی فلسفه علم معری به شمار می رود که مبتنی بر نوعی عقل گرایی است که از زمان قدیم نیز وجود داشته است. در همین راستا، برخی صاحب نظران همانند طه حسین برجسته ترین نشانه شخصیت معنوی معری را در تسلط عقل او بر همه وجودش دانسته و بر این عقیده اند که حتی احساس او نیز از صافی عقل او می گذرد و به بیان می آید (همان: ۲۰/۶). حدود چهل سال عمر پایانی معری، سراسر به تألیف و تدریس و افاضه علمی سپری شد. محفل درس او همواره پایگاه دانش و تعلیم و تعلم بوده است. همو، علاوه بر تربیت مشتاقان علم و ادب، آثار گرانقدری به ادبیات عرب ارزانی داشته که از آن جمله می توان به «الایک والغصون»، «تاج الحرة»، «عبث الولید»، «رسالة الملائكة»، «شرح دیوان متنبی»، «رسالة الغفران»، «الفصول والغايات» و مجموعه آثار شعری او مانند «لزوم مالایلم» و «سقط الزند» و نیز کتب و رسائل دیگری اشاره نمود که بالغ بر صد مجلد است (همان: ۳۱۵)؛ اما متأسفانه از میان انبوه آثار وی تنها تعداد انگشت شماری برجای مانده که این را نیز می توان اجحاف علمی و ادبی دیگری در حق این شاعر و ادیب بزرگ قلمداد کرد.

## ۱-۲. اتهام ابوالعلاء معری به الحاد و زندقه

گروه زیادی از قدما معری را به الحاد و کفر متهم کرده اند. از آن جمله، ابن جوزی، فقیه، محدث، متکلم و تاریخ نگار حنبلی مذهب بغدادی است که در کتاب خود «المنتظم فی تاریخ الملوك والأمم» می گوید: گروهی از علما او را زندیق و ملحد خوانده اند و این مطلب در سخن و اشعار او به خوبی آشکار است (ر.ک: فروخ، ۱۳۸۱: ۱۰۴). در پاسخ به این افراد، توجه به نکات زیر خالی از فایده نخواهد بود:

۱. مخالفان معری او را متهم ساخته اند که کتاب «الفصول والغايات» را در معارضه با قرآن کریم نگاشته است؛ اما «مطالب آن جز موعظه و مناجات چیز دیگری نیست و قصد معارضه قرآن در آن لحاظ نشده است» (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۸۸: صص ۱۸-۲۰). وانگهی معری این کتاب را با محتوای تمجید و تحمید حضرت حق نگاشته است و بارها در این کتاب و دیگر آثارش

به اعجاز قرآن کریم اذعان نموده است. به عنوان نمونه، در سفرنامه «رساله الغفران» می‌گوید: «وَأَجْمَعُ مَلْحَدًا وَمَهْتَدًا... ان هذا الكتاب الذي جاء به محمد ﷺ كتاب بهر بالا عجاز ولقى عدوه بالإرجاز ما حذى على مثال ولا أشبه غريب الأمثال ما هو من القصيد الموزون ولا الرجز...» (ترجمه: خدایی که کافر و هدایت‌یافته را در یکجا جمع کرد... همانا کتابی که محمد ﷺ آورد کتابی است مملو از معجزات حیرت آور و دشمنش به بیماری رجز دار می‌شود از هیچ الگوی پیروی نکرده و شبیه نمونه‌های غریب نیست و از جنس شعر موزون و رجز هم نیست) (معری، ۱۹۰۷: ۱۵۸).

۲. اگر به زندگی معری نیک بنگریم می‌بینیم که معاصرانش غالباً او را مسلمان می‌شناختند، چنان که بعد از مرگ بر سر تربتش طی یک هفته ۲۰۰ بار ختم قرآن کردند. بنابر این، شاید بتوان گفت که یا بعضی از اشعار کفرآمیز منتسب به او، واقعا از او نیست و یا اینکه بعضاً به غلط کفرآمیز تلقی شده است و برداشت منطبق با دین یا دست کم غیر مخالف با دین نیز می‌توان از آن اشعار داشت (ذکاوتهی قراگوزلو، ۱۳۸۸: صص ۱۸-۲۰).

۳. معری، خداوند متعال را از طریق صفاتش در قرآن کریم شناخته است تا جایی که می‌گوید:

تعالی الله، کم ملک مهیب      تبدل بعد قصر ضیق لحد  
أقرب أن لی رباً قديراً      ولا ألقى بدائعاً بجحداً

(ترجمه: خدا بزرگ است، چه بسیار پادشاهان با ابهتی که از کاخ به گوری تنگ منتقل شدند. اقرار می‌کنم به اینکه مرا پروردگاری است توانا و بدایع او را انکار نمی‌کنم)

۴. معری، در مورد اسلام به صراحت می‌گوید: اسلام دین عملی و اجتماعی است که پیروان خود را به پارسایی و میانه‌روی در عبادات و ادار کرده است، شراب را حرام کرده و پرداخت زکات را دستور داده و اخلاق پسندیده آورده است (ر.ک: فروخ، ۱۳۸۱: ۱۶۶).

۵. با تأملی اندک در اشعار معری، چنین استنباط می‌شود که وی مؤمن و نمازخوان و اهل عبادت بوده است تا جایی که برخی اشعارش بیانگر و مؤید این مطلبند:

رددتُ إلی ملیک الناس أُمري      فلم أسأل متی یقع الکسوف  
ربّ اکفنی حسرة الندامة في ال      عقبی فیائی محالف الندم  
وشاهدٌ خالقى إن الصلاة له      أجل عندی من درّی ویاقوتی

۱. معری، بی تا: ۲۷۸/۱

۲. معری، بی تا: ۱۰۶/۲ و ۳۲۹

(ترجمه: کار خود را به خداوند واگذار نمودم و نپرسیدم که کسوف چه زمانی روی می‌دهد؟ خدایا مرا از حسرت و پشیمانی روز قیامت بر حذر بدار، [که در این دنیا از گناهانم] پشیمانم. خالقم شاهد است که عبادت او برای من از دُر و یاقوت با ارزش‌تر است)

۶. زجر النابح یا مقتطفات، شرح و ردی از جانب خود معری است به کسانی که با استنباط ناصحیح او را به کفر متهم کرده‌اند (خراسانی، ۱۳۷۳: ۱۳/۶) در این کتاب، معری به توضیح و توجیه منطقی ابیاتی از دیوان «لزوم ما لایلزم» پرداخته است که به سبب آن‌ها او را به الحاد و کفر متهم کرده بودند. به‌عنوان نمونه، در دفاع از بیت زیر که با رویکردی قرآنی سروده شده است:

أَفِيقُوا أَفِيقُوا يَا غَوَاةَ فَإِنَّمَا دِيَانَاتِكُمْ مَكْرٌ مِنَ الْقَدَمَاءِ

(ترجمه: ای گمراهان! از خواب گران برخیزید، همانا ادیان شما تنها نیرنگی از جانب پیشینیان است).

می‌گوید: مراد من، اهل کتاب است که پیروان خویش را می‌فریفتند: ﴿فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾ (بقره: ۱۳). (پس وای بر کسانی که کتاب تحریف ای شده با دستهای خود می‌نویسند، سپس می‌گویند این از جانب خداست تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند؛ و در باره اینکه گفته است:

وَالْمَوْتُ نَوْمٌ طَوِيلٌ مَالَهُ أَمَدٌ وَالنُّوْمُ مَوْتُ قَصِيرٌ فَهُوَ مُنْجَابٌ

می‌گوید که مراد این است که نمی‌دانیم قیامت کی واقع خواهد شد (ر.ک: ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۸۸: صص ۱۸-۲۰).

۷. برخی ناقدان معتقدند که معری آرا و افکار خود را با جملاتی مبهم ادا کرده است، به همین علت گروهی از تذکره‌نویسان چون نتوانسته‌اند اندیشه واقعی او را دریابند، زبان به دشنام او گشوده و بدبین و ملحد و زندیق و کافر خوانده‌اند (خدیوجم، ۱۳۸۱: ۵). در همین راستا، ناصر خسرو قبادیانی (۳۹۴-۴۸۱ق) متکلم، شاعر، نویسنده و جهانگرد بزرگ ایرانی، ضمن ستایش این شاعر بزرگ و خصوصیات برجسته او در سفرنامه خود، او را دارای فضیلت‌های علمی و ادبی بسیار برشمرده است. همو، معتقد است که معری در کتاب «الفصول و الغایات» سخنان مرموز و مثل‌هایی به الفاظ فصیح و عجیب آورده که مردم چون نمی‌توانستند بر آنها واقف شوند، به او تهمت الحاد زدند و گفتند که این کتاب در معارضه با قرآن نوشته شده است (ر.ک: قبادیانی، ۱۳۷۰: ۱۸-۱۹).

## ۲. بینامتنیت دینی اشعار ابوالعلاء معری با اعتقادات شیعه

علی‌رغم اینکه برخی صاحب‌نظران معری را کافر و بی‌دین خطاب نموده و معتقدند که وی به هیچ دین و آیینی پای‌بند نبوده است، اما در میان آثار مختلف معری از جمله دووین سقط الزند، لزوم ما لا یلزوم و رساله الغفران به قصاید یا ابیاتی از ایشان برخورد می‌کنیم که بینامتنیت دینی و اسلامی با اعتقادات تشیع دارد. سید جواد شبر در کتاب «أدب الطف أو شعراء الحسین» (۱۴۰۹ق: ۳۰۶/۲) می‌گوید: «من تعجب می‌کنم از اینکه معری را ملحد خوانده‌اند، در حالی که وی هیچ‌گاه نماز را ترک نکرده و حتی آن زمان که نیرو و قوتش را از دست داده بود، نشسته نمازش را ادا می‌کرد» تا جایی که خود نیز در باب اثبات وجود خداوند متعال چنین می‌سراید:

متی ینزل الأمر السماوی لم یفد	سوی شبح رمی الکمی المناجد
وإن لحق الإسلام خطبٌ یغضه	فما وجدت مثلاً له نفس واجد
إذا عظموا کیوان عظمت واحداً	یکون له کیوان أول ساجد <sup>۱</sup>

(ترجمه: زمانی که حادثه‌ای آسمانی رخ دهد کسی خلاص نمی‌شود از آن مگر آن شبحی که پهلوانی جنگجو را افکنده است. واگر حادثه ناگواری برای اسلام پیش آید آن را نرم می‌کند؛ زیرا که من مانندی در بی‌نیازی و توانگری همانند اسلام ندیده‌ام. هر گاه آنان ستاره کیوان را تعظیم نمایند من در مقابل خدای یکتا تعظیم می‌کنم، خدایی که ستاره کیوان اولین سجده‌کننده اوست)

از طرفی، برخی صاحب‌نظران دینی از قبیل شیخ محمد حسین کاشف الغطاء بر ایمان و تشیع معری استدلال نموده و صاحب کتاب نسخه السحر، او را از شعراء شیعه به‌شمار آورده و معتقد است که از جمله اشعار معری که آن بوی تشیع به مشام می‌رسد، ابیات زیر است:

لقد عجبوا لآل البیت لما	أتاهم علمهم فی جلد جفر
ومرآة المنجم وهی صغری	تریه کل عامرة وقفر <sup>۲</sup>

(ترجمه: از اهل بیت بسیار تعجب کردند؛ به سبب علم حروف یا علوم خفیه‌ای که از جانب

۱. معری، بی تا: ۲۶۵/۱-۲۶۶

۲. معری، بی تا: ۳۹۷/۱

خداوند به آنان رسیده است. در حالی که آینه کوچک غیب‌گویان و کاهنان را هر ثروتمند و فقیری می‌بیند)

و نیز می‌گوید:

والله حق وابن آدم جاهل من شأنه التفریط والتكذيب<sup>۱</sup>

(ترجمه: خداوند حق است و فرزند آدمی نادان است، زیاده روی و تکذیب کردن از عادت‌های اوست).

و همچنین از دیگر اشعار اوست که خدا را تنها سلطان بی‌همتای عالم دانسته است که نگرشی قدسی و اسلامی یافته است:

انفردَ اهللُ بسُلطانِه فَمَا لَهُ فِي كُلِّ حَالٍ كِفَاءٌ<sup>۲</sup>

که این بیت معری دقیقاً برگرفته از آیه ۴ سوره اخلاص است: ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ (اخلاص: ۴) (ترجمه: و هیچ کس نظیر و مانند او نیست).

در امتداد همین پیشینه دینی کوتاه از معری، نگارندگان بر آنند تا با تفحص در آثار این شاعر، به رویکرد دینی و مذهبی او پرداخته و آن اشعاری را که با معتقدات شیعه، بینامتنیت دینی و مضمونی دارد و مؤید شیعه بودن شاعر و یا دست کم گرایش وی به مذهب تشیع و ارادت به پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام است، به نقد و تحلیل ادبی بسپارند. مهم‌ترین این مضامین دینی و اسلامی را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

## ۱-۲. سرخ شدن آسمان

طبق روایت‌های متواتر و متعدد در منابع مختلف، سابقه شفق سرخ در آسمان، به شهادت ابا عبدالله الحسین علیهما السلام بر می‌گردد. از ابوبکر محمد بن سیرین تابعی نقل است که این سرخی آسمان بعد از کشته شدن امام حسین علیهما السلام دیده شد و نیز از امام باقر علیهما السلام روایت شده که آسمان در شهادت حضرت یحیی و امام حسین علیهما السلام سرخ‌فام گردید (عاملی، ۱۴۲۵: ۱۹۹/۵). همچنین از ابن عباس روایت شده که سرخی شفق، از روزی پدید آمد که امام حسین علیهما السلام شهید شد و آسمان در شهادت او خون‌گریست و قبل از آن، این رنگ سرخ در افق دیده نشده بود: «إِنَّ يَوْمَ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَطُرَتِ السَّمَاءُ دَمًا وَإِنَّ هَذِهِ الْحَمْرَةَ الَّتِي فِي السَّمَاءِ ظَهَرَتْ يَوْمَ قَتْلِهِ وَلَمْ تَرَ قَبْلَهُ» (ر.ک: تستری، بی تا، ۱/ ۴۶۱) و نیز زراره بن أعین، از قول امام صادق علیهما السلام چنین روایت کرده است:

۱. معری، بی تا: ۸۶/۱

۲. معری، بی تا: ۶۱/۱



«بکت السماء علی یحیی بن زکریا وعلی الحسین بن علی اربعین صباحا ولم تبک إلا علیهما، قلت: فما بکاؤها؟ قال: کانت الشمس تطلع حمراء وتغیب حمراء» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ۵۴/۴) (ترجمه: امام صادق علیه السلام فرمود: آسمان در شهادت یحیی بن زکریا و امام حسین بن علی علیهما السلام چهل روز گریست و جز بر این دو نفر، بر کسی دیگر نگریست. [به امام صادق علیه السلام] گفتم: آسمان چگونه گریست؟ فرمود: خورشید در سرخی صبح طلوع و در سرخی غروب، غروب می‌کرد.» معری، با الهام از همین موضوع که بر گرفته از ادبیات و فرهنگ دینی تشیع است، به سرخی شفق اشاره نموده و بر این اعتقاد است که شفق سرخ در اثر خون شهدای اهل بیت، علی، حسن و حسین علیهم السلام پدیدار گشته است:

من علی ونجله، شاهدان	وعلی الدهر، من دمء الشهدید
نِ وفی أولیاته شفقان	فهما، فی أواخر اللیل فجرا
مرُستعدیاً إلی الرّحمن	ثَبَّتَا، فی قمیصه، لیجیی الحش
فما أنا فی العجائب مستزید	أری الايام تفعل کل نکر.
و کان علی خلافتکم یزیداً	ألیس قریشکم قتلت حسینا

(ترجمه: روزگار، بر خون دو شهید، علی و فرزندش، دو شاهد دارد؛ و این دو گواه عبارتند از سرخی شفق در هنگام غروب و سپیده دم. (این دو شفق) بر دامن (آسمان) ثبت شده تا زمان رستاخیز نزد خدای به داد خواهی برخیزند. میبینم که روزگار هر کار ناپسندی را انجام میدهد و برای به شگفت آوردن من به بیش از این احتیاجی نیست. مگر نه این است که قریش شما، حسین علیه السلام را شهید کردند و یزید را بر مسند خلافت نشانند؟).

تأمل در متن اشعار فوق نشان می‌دهد که شاعر تحت تأثیر مقام معنوی امام حسین علیه السلام و دیگر ائمه، به فراخوانی این اعتقاد در شعر خود پرداخته و شمه‌ای از قدسیت و معنویت را بر ایات خویش گسترانده است تا جایی که روزگار و سرخی شفق را گواهی بر خون ریخته امام حسین علیه السلام دانسته است. همو، برای اینکه مظلومیت شهدایان و خون ریخته امام حسین و یارانش، همچنان در تارک زمان‌ها و ادوار باقی بماند، آن را به خونی ریخته بر پیراهن روزگار تشبیه کرده است که تا زمان باقی هست این خون باقی خواهد ماند تا در قیامت در پیشگاه عدل الهی شاهد این مظلومیت تاریخی تشیع باشد. شاعر در ادامه با استفاده از استفهام تقریری این مظلومیت را به اثبات رسانیده و معتقد است که قریش باید مسئولیت این دادخواهی را بپذیرد.

## ۲-۲. شجاعت امام علی (علیه السلام)

شجاعت امام علی (علیه السلام) از دیگر موضوعات مهمی است که در شعر معری طنین افکن شده است. شاعر در ادامه همین قصیده، ضمن مخاطب قرار دادن امام حسین (علیه السلام)، تعریضی به دلاوری‌های امام علی (علیه السلام) در جنگ‌های صدر اسلام داشته و معتقد است که وی همواره حضوری تعیین کننده و فعال در این جنگ‌ها داشته است. تا جایی که شاعر، ضمن ستایش ممدوحش، ابوالبراهیم موسی بن اسحاق که از علویان بوده است، به افتخارات امام علی (علیه السلام) در جنگ بدر اشاره کرده و چنین داد سخن سر می‌دهد:

یا ابن مستعرض الصفوفِ بیدرٍ ومیبید الجموعِ من غطفانٍ

(ترجمه: ای فرزند مبارز در جنگ بدر! و هلاک کننده جمعی از قبیله غطفان!)

می‌توان گفت که در دوره عباسی، ادبیات متعهد شیعه دیگر آن قوت و قدرت سابق در دوره اسلامی را نداشت؛ چرا که به دنبال تغییر در وضعیت اجتماعی و سیاسی این دوره، مضامین دینی نیز کم کم جایگاه و تقدس خود را از دست داد و شعر رایج این دوره بیشتر رنگ غزلی و فلسفی به خود گرفت. این در حالی است که معری، در بحبوحه همین بی‌رونقی شعائر اسلامی، ضمن فراخوانی تلویحی شخصیت امام حسین (علیه السلام) به بیان دلاوری‌ها و رشادت‌های امام علی (علیه السلام) در جنگ بدر می‌پردازد که این موضوع غالباً حاکی از نظر مثبت معری به امام علی (علیه السلام) به ویژه از منظر شجاعت و دلاوری در جنگ است. تا جایی که زبان به ستایش حضرت گشوده و او را هلاک کننده جمعی از قبیله غطفان دانسته است.

## ۲-۳. اصحاب کساء

اصحاب کساء، پنج تن آل عبا و خمسه طیبه، عنوانی برای حضرت محمد، امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) است (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۰۶). روزی پیامبر اسلام ﷺ به خانه همسر گرامی خود، ام سلمه، آمد. در همان زمان، فاطمه (علیها السلام) برای پدرش غذایی تهیه و آن را به منزل ام سلمه آورد. پیامبر ﷺ به دخترش فرمود: «برو و همسر و دو فرزندت را هم بیاور». پس از جمع شدن آن‌ها، پیامبر ردای خبیری را بر سر داماد و دختر و حسنین افکند و با دست راست به آسمان اشاره کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ هؤُلاءِ أَهْلُ بَيْتِي، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً» (طبری، ۱۴۲۰: ۲۲/۲۶۳) (ترجمه: خدایا! اینان اهل بیت من هستند. پس هر گونه پلیدی را از آنان دور کن و پاکشان گردان!). در روایت دیگری احمد بن حنبل در مسند خود در حدیث ۲۶۵۰۸

آورده است که پیامبر ﷺ فرمود: «اللَّهُمَّ هُوَ لَأَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي، اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۱۱۸/۴۴) (ترجمه: بار خدایا! اینان اهل بیت و خواص من هستند. خدایا! هر گونه پلیدی را از آنها دور کن و کاملاً پاکشان گردان!). آن گاه جبرئیل امین، نازل شد و آیه «تطهیر» را بر پیامبر ﷺ در منزل ام سلمه نازل کرد: «لَتَمَّا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (احزاب/ ۳۳) (ترجمه: همانا خداوند می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک گرداند).

معری، در ادامه قصیده ۱۴ از دیوان سقط الزند، با اشاره به پنج تن آل عبا، معتقد است که مراد از هر لفظ و معنایی که گفته می‌شود، تنها همین پنج نفر هستند تا جایی که می‌گوید:

أحدِ الخمسة، الَّذِينَ هم الأغر ضُ في كلِّ منطِقٍ، والمعاني<sup>۱</sup>

(ترجمه: [ای فرزندان] یکی از پنج نفر [اصحاب کساء]، همان کسانی که مراد از هر لفظ و معنی ایشان است).

معری، در این بخش از قصیده، بار دیگر ضمن مخاطب قرار دادن شخصیت معنوی امام حسین (علیه السلام) به عنوان یکی از پنج تن آل عبا، به حدیث مشهور کساء اشاره نموده که در آن رسول اکرم ﷺ اهل بیتش را در زیر عبایش جمع نموده و فرمود: خدایا اینان اهل بیت من هستند پس آنها را از هر گونه آلودگی و ناپاکی دور کن. قابل ملاحظه است که شاعر ضمن تلمیح به حدیث مذکور و ستایش اصحاب کساء، هر گونه کلام را منحصر در مقامات و کمالات معنوی ایشان دانسته و معتقد است که مراد از هر سخن و هر معنی، همین پنج نفر هستند.

## ۲-۴. آفرینش چهارده معصوم قبل از آفرینش سایر مخلوقات

مطابق با نظر امامیه که برگرفته از احادیثی از پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) است، خداوند قبل از آنکه سایر خلایق را بیافریند، چهارده معصوم (علیهم السلام) را به صورت نور آفریده است؛ چرا که ایشان ضمن اینکه مخلوق خدایند، به خاطر ظرفیت وجودی که دارند، واسطه فیض پروردگارتند<sup>۲</sup> و آن را در اختیار دیگر آفریده‌ها قرار می‌دهند و همین ویژگی، آفرینش قبلی آنان را ضروری می‌سازد. در همین راستا، رسول خدا ﷺ فرموده است: «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» (ابن احسان، بی

۱. معری، ۱۳۷۶: ۹۶.

۲. در زیارت جامعه کبیره آمده است: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَيَكُمُ يُعْزِمُ وَيَكُمُ يُنْزِلُ الْغَيْثُ وَيَكُمُ يُسْمِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِأَذْنِهِ وَيَكُمُ يُنْقِضُ الِهَمَّ وَيَكْشِفُ الضَّرَّ» (مکارم، ۱۳۸۸: ۵۴۵) خدا با شما آغاز کرد و با شما پایان می‌دهد و به خاطر شما باران را فرو می‌فرستد و به خاطر شما آسمان را از فرو افتادن بر زمین جز به اذن او، نگه می‌دارد و به خاطر شما اندوه را می‌برد و سختی را بر طرف می‌سازد.»

تا: ۹۹/۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۷/۱) (ترجمه: اولین چیزی که خدا آفرید، نور من بود)؛ و نیز فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنِي وَخَلَقَ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ تَعَالَى آدَمَ حِينَ لَأَسْمَاءَ مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضَ مَدْحِيَّةً وَلَا ظُلْمَةَ وَلَا نُورَ وَلَا شَمْسَ وَلَا قَمَرَ وَلَا جَنَّةَ وَلَا نَارًا» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰/۱۵) (ترجمه: خدا من را آفرید و علی و فاطمه و حسن و حسین را آفرید پیش از آن که آدم را بیافریند آن گاه که نه آسمان بنا شده‌ای بود و نه زمین گسترش یافته‌ای و نه تاریکی و نه نوری و نه خورشیدی و نه ماهی و نه بهستی و نه آتشی). امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «كَانَ اللَّهُ وَاللَّيْلَةُ مَعَهُ، فَأَوَّلُ مَا خَلَقَ نُورَ حَبِيبِهِ مُحَمَّدًا» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۷/۱۵) (ترجمه: خدا بود و هیچ چیز با او نبود، پس اولین چیزی که آفرید، نور محبوبش، محمد بود). امام سجاد علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَأَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ مِنْ نُورٍ عَظَمَتِهِ فَأَقَامَهُمْ أَشْبَاحًا فِي ضِيَاءِ نُورِهِ يَعْبُدُونَهُ قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَيُقَدِّسُونَهُ وَهُمْ الْأَيْمَةُ مِنْ وُلْدِ رَسُولِ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۵/۲۵؛ کلینی، بی تا: ۷۷۵/۱) (ترجمه: خدای عزوجل محمد و علی و یازده امام را از نور عظمتش آفرید و آنان را در درخشش نورش به صورت شب قرار داد. آنان قبل از آفرینش دیگر مخلوقات خدا را می‌پرستیدند و تسبیح و تقدیس می‌کردند و آنان همان امامان هدایتگر از خاندان رسول خدا بودند). معری نیز با الهام و اقتباس از مضامین همین احادیث شریفه در باب چگونگی خلقت پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام به گونه‌ای مطابق و همسو با معتقدات شیعیان، چنین می‌سراید:

وَالشَّخْصَ الَّتِي خُلِقَ ضِيَاءُ      قَبْلَ خَلْقِ المَرِيخِ وَالمِيزَانِ  
قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ السَّمَاوَاتُ أَوْ تُؤْ      مَرَّ أَفْلَاكُهُنَّ بِالدُّورَانِ

(ترجمه: آن کسانی که پیش از آفرینش ستارگان و کرات آسمانی و آسمان‌ها، و پیش از اینکه به افلاک دستور گردش داده شود، بصورت نور آفریده شده‌اند).

تأملی اندک در الفاظ و معانی اشعار معری، نشان از بینامتنیت دینی با احادیث نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و امام سجاد علیه السلام دارد که در بالا بدان اشاره شد. شاعر نیز به مانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر این اعتقاد است که آفرینش اصحاب کساء قبل از آفرینش آسمان و زمین و نیز دیگر مخلوقات خدا اتفاق افتاده است. همو، در تأیید کلام رسول صلی الله علیه و آله و امام سجاد علیه السلام معتقد است که خلقت ائمه اطهار علیهم السلام همگی ناشی از نور عظمت و جودی خداوند متعال بوده است؛ چرا که ایشان نیز واسطه فیض ربوبی خداوند به بندگان هستند. شایان توجه است که این موضوع حاکی از وسعت اطلاع معری و دمساز بودن وی با احادیث شریف و شعائر دینی تشیع است.

## ۲-۵. امامان علیهم‌السلام ستارگان زمینند

بدون وجود امامان، زمین و زمان باقی نمی‌ماند و همه چیز در هم فرو می‌ریزد. در بسیاری از احادیث، امامان علیهم‌السلام به ستارگان آسمان تشبیه شده‌اند، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «النَّجُومُ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ فَإِذَا ذَهَبَتِ النُّجُومُ ذَهَبَ أَهْلُ السَّمَاءِ، وَأَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ فَإِذَا أَهْلُ بَيْتِي ذَهَبَ أَهْلُ الْأَرْضِ.» (ابن بابویه، بی تا، ۲۰۵/۱) (ترجمه: ستارگان، امانی برای اهل آسمانند. پس هنگامی که ستارگان نابود شدند، اهل آسمان نیز نابود می‌شوند و خاندان من امانی برای اهل زمینند. پس هنگامی که خاندان من از بین بروند، اهل زمین نیز از بین می‌روند). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است: مَثَلُ مَنْ فِي بَيْنِ شَمَائِهِ مَثَلُ خُورْشِيدٍ فِي بَيْنِ يَوْمٍ وَرَيْحَانٍ فِي بَيْنِ لَيْلَةٍ وَنَهَارٍ، أَمَامَانِ مِنَ الْأَرْضِ فَطَمَهُ اللَّهُ هَسْتَنْدَ وَمَرْدَمِ دِينِ خُدَا وَبِیْأَمْبِرِ رَا اِیْشَانِ سَوَالِ مِی کَنْنَدَ وَ اَنَانِ دِیْنِ رَا بَرای مَرْدَمِ اَشْکَارِ مِی نَمایند (بروجردی، ۱۳۷۵: ۸۹/۶). همچنین امام باقر علیه‌السلام در ذیل آیه: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا» (یونس: ۵) (ترجمه: او کسی است که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را نورانی کرد)، فرموده است: «أَضَاءَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم كَمَا تُضِيءُ الشَّمْسُ، فَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلُ مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم الشَّمْسِ وَمَثَلُ الْوَجِيِّ الْقَمَرَ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۲۱/۲۳؛ عروسی حویزی، بی تا، ۳۶/۱؛ مکارم، بی تا، ۱۰۸/۱) (ترجمه: زمین به نور حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روشن شد چنانچه خورشید نورافشانی می‌کند و خداوند حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به خورشید مثل زده و وصی او را به ماه). حضرت مهدی علیه‌السلام در توقیعی فرموده است: «إِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النَّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ» (ترجمه: همانا، من، امان و مایه ایمنی برای اهل زمینم، همانگونه که ستاره‌ها، سبب ایمنی اهل آسمان‌اند) (طبرسی، بی تا، ۲۸۴/۲؛ اربلی، بی تا، ۳۴۰/۳؛ راوندی، ۱۴۰۹: ۱۳۱/۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸۱/۵۳).

معری نیز به تاسی از احادیث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام، در قصیده‌ای از دیوان سقط الزند، خاندان امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام را ستارگان زمین نامیده است، اگر چه از لحاظ جسمی شبیه انسان هستند:

فَالْثَّرِيَا وَالْفِرَاقِدِ أَنْتُمْ      وَإِنْ شَبَّهْتُمْ، بِالْعِبَادِ، جُجُومِ  
فِي أَنْ نَجُومِ الْأَرْضِ، لَيْسَ بَغَائِبِ      سَنَاها، وَفِي جُؤِ السَّمَاءِ نُجُومِ<sup>۱</sup>

(ترجمه: شما از خاندان ستارگان و کواکب هستيد، اگر چه جسم هایتان، شما را به انسانها شبیه نموده است. همانگونه که ستارگان در آسمان می درخشند، ستارگان زمین نیز می درخشند [که شماييد]).

تأملي اندک در الفاظ و درون مایه شعر معری نشان از تجلی روح قدسی در درون ایشان است تا جایی که آنان را به عنوان مجموعه ای از ستارگان درخشان تشبیه می کند و بر این باور است که وجود بابرکت این بزرگواران، به سان مشعل هدایتی است که هیچ گاه خاموش نمی شود. قابل ملاحظه است که شاعر ضمن استفاده از تشبیه مقلوب جهت تعالی مقام معنوی ایشان، بر آن است تا روشنی چهره امامان (ع) را بر ستارگان آسمان برتری دهد؛ چرا که ستارگان گاهی پنهان می شوند ولی وجود اهل بیت (ع) همواره روشنی بخش راه هدایت و رستگاری است.

## ٦-٢. عاقبت دشمنی با امامان

دشمنی با اهل بیت (ع) از زشت ترین و احمقانه ترین اعمال است که بشر می تواند به آن دست بزند، دشمنی با ایشان، یعنی فریاد اینکه من دشمن خدایم، من دشمن رسول او هستم، من دشمن هدایت و سعادت جامعه بشری هستم ... و فریاد اینکه که من خود شیطان رانده شده هستم. پیامبر خدا (ص) فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَا يُبْغِضُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ» (ترجمه: سوگند به آن که جانم در دست اوست، هیچ کس ما اهل بیت را دشمن ندارد، مگر این که خداوند او را به دوزخ برد) (سیوطی: ج ٧، ص ٣٤٩). خداوند متعال نیز در قرآن کریم به صراحت بیان می کند که اگر از خدا و رسولش اطاعت نکنید، لابد شما کافرید: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ» (آل عمران: ٣٢) (ترجمه: بگو: «خدا و پیامبرش را اطاعت کنید.» پس اگر روی گردان شدند، قطعاً خداوند کافران را دوست ندارد). به هر حال دشمنی و کینه نسبت به ائمه (ع) که از آن به «نصب» تعبیر شده است، حرام، بلکه موجب کفر و نجاست فرد ناصبی است (حسینی عاملی، ١٤١٩: ٤٣/٢). سید اشرف الدین حسینی گیلانی (١٢٨٧-١٣٥٢ ق -١٣١٣ ش) شاعر احمدسرا، نویسنده و مدیر روزنامه نسیم شمال از روزنامه های دوره مشروطیت ایران می گوید:

گل در چمن از نام علی یافت طراوت  
در روز جزا، جایگهش در سقر افتاد  
هر کس که به این سلسله بنمود عداوت  
با آل علی هر که در افتاد برافتاد

معری نیز هم صدا با شیعیان، اعتقاد راسخ دارد که «هر کس با این پنج تن [اهل عبا] به دشمنی

برخیزد و کینه آنان را در دل بدارد، نجات پیدا نمی‌کند، اگرچه در عزت و شرف به جایگاه ستارگان نیز برسد» (ر.ک: ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۰۷) و چنین می‌سراید:

لوتاتی لنتحها حمل الشَّه  
 ب تَرَدَى عن رأسه الشَّرطان  
 أو أراد السماء طعناً لها، عا  
 د كسير القناة قبل الطعان  
 أو رمتها قوس الكواكب زال العجب  
 سُ منها، وخانها الأبهران  
 أو عصاها حوت النجوم، سقاء  
 حتفه صائد من الحدثان

(ترجمه: اگر برج حمل با آن‌ها بجنگد، دو شاخ او می‌شکند و هلاک می‌شود. اگر سماک رامح بخواد به آن‌ها نیزه بزند، پیش از نیزه زدن نیزه‌اش می‌شکند. اگر برج قوس با آنان مخالفت کند، مچ دست و ستون فقراتش می‌شکند. یا اگر حوت از آنان سرپیچی کند، شکارچی روزگار، مرگ را به او می‌چشانند).

تأملی اندک در مضمون اشعار معری، نشان می‌دهد که این اشعار تناص دینی و مضمونی با مضامین آیات قرآن کریم در این رابطه و نیز مضامین کلام پیامبر ﷺ و دیگر امامان معصوم در این زمینه دارد تا جایی که آنان نیز به مانند قرآن کریم عاقبت دشمنی با اهل بیت را کفران، نیستی و نابودی اخروی قلمداد نموده‌اند.

## ۲-۷. عشق به اهل بیت ﷺ

معری با الهام از آیه شریفه: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّرِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (شوری: ۲۳)، عشق به اهل بیت پیامبر ﷺ و اولاد آنان را بر همه فرض و واجب می‌داند.<sup>۱</sup> تا جایی که خطاب به ممدوحش، ابو ابراهیم می‌گوید: ای ابو ابراهیم! قرآن و «پیامبر ﷺ» در وصف جدت سخن گفته است و افتخارات اجداد، افتخارات اولاد نیز هست و چون تو از خانواده پیامبر هستی، بنابر این حبّ و دوستی تو در همه ادیان فرض است» (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۰۹):

يا أبا إبراهيم! قَصَرَ عنك الشعرُ  
 لَمَّا وُصِفَت بالقرآن

۱. معری، ۱۳۷۶: ۹۶

۲. وفيما كتب إلينا محمد بن عبد الله بن سليمان الحضرمي، يدكر أن حرب بن الحسن الطحان حدثهم قال لنا حسين الأشقر، عن قيس، عن الأعمش، عن سعيد بن جبیر، عن ابن عباس قال: لما نزلت ﴿لا أسئلكم عليه أجراً إلا المودة في القربى﴾، قالوا: يا رسول الله، من قرأنا هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم؟ قال: «عليهم وفاطمة، وأبناها عليهم السلام».

(احمد بن حنبل، ۱۴۰۳: ۶۶۹/۲) احمد بن حنبل در فضائل الصحابه نقل می‌کند: هنگامی که آیه ﴿لا أسئلكم عليه أجراً إلا المودة في القربى﴾ نازل شد، اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا! خویشاوندانمان که مودت آنها بر ما واجب است کیانند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزند او

أَشْرِبَ الْعَالَمُونَ حُبَّكَ، طبعاً فَهَوْ فَرَضٌ فِي سَائِرِ الْأَدْيَانِ<sup>۱</sup>

(ترجمه: ای ابو ابراهیم! شعر از وصف تو عاجز است، زیرا که به وسیله قرآن وصف شده‌ای. مردم فطرتاً تو را دست دارند و حب تو در همه ادیان واجب است).  
عظمت و مشروعیت دینی و مکارم اخلاقی خاندان پیامبر ﷺ در پیشگاه معری تاب‌دان جاست که ضمن خطاب قرار دادن ممدوح خویش، ابو ابراهیم، او را منتسب به خاندان نبی مکرم اسلام ﷺ گردانیده و به خاطر همین نسبت ممدوح با خاندان پیامبر ﷺ زبان به ستایش او می‌گشاید. شاعر با بزرگ نمودن مقام و شأن معنوی ممدوح، معتقد است که شعر او در ستایش او کافی نیست؛ زیرا او از خاندان پیامبر ﷺ است و آنان در قرآن ستایش شده‌اند و عشقشان به طور فطری و طبیعی در سرشت انسان‌ها نهادینه شده است. معری، در اعطای عشق و ارادتش به خاندان نبوی پا را فراتر نهاده و معتقد است که حب اهل بیت نه تنها در دین اسلام، بلکه بر تمام ادیان دیگر نیز واجب است.

## ۲-۸. آل علی ﷺ غیر تمند، ظلم ستیز و دارای سطوت و صولتند

روحیه آزادی خواهی، ظلم‌ستیزی و جوانمردی و عدالت‌طلبی همواره از ویژگی‌های بارز آل علی ﷺ بوده است. از نظر امامان ﷺ زندگی شرافتمندانه، مبارزه با ظلم و ظالم است؛ و مبارزه با استبداد به عنوان وظیفه‌ای انسانی و دینی مطرح شده است. امام علی ﷺ در نامه‌ای به اهل مصر می‌نویسد: «وَلَكِنِّي أَسَى أَنْ يَلِيَ أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سُفَهَاؤُهَا وَفُجَارُهَا، فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دَوْلًا، وَعِبَادَهُ حَوْلًا، وَالصَّالِحِينَ حَرْبًا، وَالْفَاسِقِينَ حِزْبًا» (نهج‌البلاغه، نامه ۶۲). (ترجمه: من از این اندوهناکم که سرپرستی حکومت این امت به دست این بی‌خردان و نابکاران افتد. بیت المال را به غارت ببرند، آزادی بندگان خدا را سلب کنند و آن‌ها را برده خویش سازند؛ و با صالحان نبرد کنند و فاسقان را همدستان خود قرار دهند).

معری نیز در قصیده بیست و پنجم از دیوان سقط الزند، آل علی ﷺ را اهل غیرت، ظلم‌ستیز و دارای سطوت و صولت (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۶۷) می‌داند و خطاب به یکی از علویان که بیمار شده است، چنین می‌گوید:

عَظِيمٌ، لَعَمْرِي، أَنْ يُلَمَّ عَظِيمٌ  
بِأَلِ عَلِيٍّ، وَالْأَنْمَامُ سَلِيمٌ  
وَلَكِنَّهُمْ أَهْلُ الْحَفَائِظِ وَالْعُلَى  
فَهَمُ لِمُلَمَّاتِ الزَّمَانِ حُصُومٌ<sup>۲</sup>

۱. معری، ۱۳۷۶: ۹۸

۲. در اشعاری منسوب امام حسین ﷺ آمده است:



فِيْ اَبَاتٍ مِنْهَا فِيْهِمْ وَعَنْكَ عَلِيٌّ  
فَفِيْهَا جِرَاحٌ مِنْهُمْ، وَكُلُّوْمُ

(ترجمه: به جان خودم سوگند، برایم سخت است که برای آل علی مصیبتی پیش آید، در حالی که دیگران سالم باشند؛ اما [باکی نیست که] آنان بسیار غیور هستند؛ و از آنجا که مقامشان بالاست همواره زمانه دشمن ایشان است. اگرچه آثار بیماری در آنان ظاهر گردیده، ولی آنان زخم‌های سنگینی بر زمانه وارد آورده‌اند).

اشاره تلویحی شاعر به حوادث بعد از رحلت امام علی (علیه السلام) به‌ویژه حادثه کربلا و شهادت امام حسین (علیه السلام) در این اشعار مشهود است. معرّی ضمن اضمحلال تحسّر و درد از بلیات زمانه در حق اولاد امام علی (علیه السلام) بر این باور است که این خاندان علی رغم دشمنی روزگار، همواره نام و آوازه‌شان نزد خداوند متعال و مردم بسیار بالاست. همو، ضمن ستایش غیرت و استقامت اهل بیت (علیهم السلام) در مقابل حوادث روزگار، معتقد است که آنان تا قیام قیامت، روزگار را زخمی نموده‌اند؛ زخمی که با گذشت روزگار التیام نمی‌پذیرد.

## ۲-۹. ولایت امام علی و امام حسین (علیهم السلام)

معرّی در دیوان سقط الزند، به موضوع ولایت و امامت امام علی (علیه السلام) گریزی زده و ضمن غلو و زیاده روی در ستایش ممدوح، حکومت و ولایت او را به ولایت امام علی و امام حسین (علیهم السلام) تشبیه نموده است تا جایی که هرکس ولایت ممدوش را داشته باشد تو گویی که ولایت امام علی و امام حسین را از دست نداده است. مفهوم سخن شاعر نشان از آن دارد که وی اصل ولایت امام علی و امام حسین (علیهم السلام) را قبول داشته و پذیرفته است؛ و بر همین اساس نیز خطاب به ممدوح خود، ابو ابراهیم موسی بن اسحاق علوی، می‌گوید:

وَأَقْصِرِيْ إِنْ شِئْتِ أَوْ أَطِيلِيْ	يَا نَكَبَاتِ الدَّهْرِ دُولِيْ
بِكُلِّ خَطْبٍ فَادِحٍ جَلِيلِ	رَمَيْتَنِيْ رَمِيَّةَ لَا مَقِيلِ
أَوَّلَ مَا زُرْتُ بِالرَّسُولِ	وَكُلِّ عَبٍّ أَتَيْدِ ثَقِيلِ
وَالْوَالِدِ الْبَرِّ بِنَا الْوَصُولِ	وَيَعْمَدُ بِالطَّاهِرَةِ الْبَتُولِ
فَمَا لَهُ فِي الرَّزْمِ مِنْ عَدِيلِ	وَيَالِ الشَّقِيْقِ الْحَسَنِ الْجَلِيلِ

ماردینی، ۲۰۰۴: ۱۵۱

ای مصیبت‌های روزگار بگردید، اگر می‌خواهید [از اذیت و آزار] دست بردارید یا اینکه ادامه دهید. یکسره بدون هیچ توفقی با هر بلای دردناک بزرگی به من تیراندازی کردی؛ و هر بار سنگینی را از آنگاه که پیامبر را از دست دادم و پس از آن، [مادر] پاکدامن و پارسا و پدر نیک کردار و مهربانمان را و حسن آن برادر ارجمند که مصیبتش را همانندی نیست.

۱. معری، ۱۳۷۶: ۱۱۵

وما فَفَقَدَ الْحَسِينَ وَلَا عَلِيًّا وَلِيُّهُ هُدًى، رَأَى لَهُ نَصِيحًا<sup>۱</sup>

(ترجمه: هر کس که تو ولی او باشی، ولایت علی و حسین (علیهم‌السلام) را از دست نداده است).  
شاعر ضمن ستایش امام حسین و امام علی و الگو قرار دادن آنان در مقام امامت و هدایت امت و اینکه آنان همواره هادی و خیر خواه مردم بوده‌اند، زبان به مبالغه در ستایش ممدوح خود ابو ابراهیم موسی بن اسحاق علوی می‌گشاید و او را در هدایت‌گری و خیر خواهی تا مقام امامت بالا برده و ولایت او را به ولایت امام حسین و امام علی (علیهم‌السلام) تشبیه می‌کند. تأمل در مفهوم کلام شاعر نشان می‌دهد که وی امام علی و امام حسین را در مقام امامت و راهبری مسلمانان به‌عنوان اسوه و الگویی بی‌نظیر پذیرفته است. تا جایی بر این عقیده است که هر کس ولایت ممدوح او را بپذیرد تو گویی که ولایت امام حسین و امام علی را پذیرفته است.

## ۲-۱۰. غدیر خم

شیعه، به تاسی از پیامبر ﷺ و امامان (علیهم‌السلام)، غدیر را روز امامت، روز شکرگزاری، روز سرور و شادی و هدیه فرستادن و به همدیگر تبریک گفتن می‌دانند. فرات بن ابراهیم کوفی از محمد بن ظهیر، از عبدالله بن فضل هاشمی، از امام جعفر صادق (علیهم‌السلام) از پدرش، از پدرانش روایت کرده است که: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي» (ترجمه: روز غدیر بزرگترین عید امت من است) (امینی، ۱۳۹۷: ۱/۳۵۴).

معری نیز در غدیریه خود، به تاسی از احادیث وارده در بزرگداشت روز عید غدیر خم که روز خوشحالی و شادمانی است، در بیان احوال درونی خویشتن، چنین می‌سراید:

أ دنیای اذهبی و سوای اُمی	فقد أَلَمَّتْ لیتک لم تلمی ...
و ما ذنب الضراغم حین صیغت	و صیر قوتها مما تدمی
فقد جبلت علی فرس و ضرس	كما جبل الوفود علی التمی
ضیاء لم یبین لعیون کمه	و قول ضاع فی آذان صم
لَعَمْرُکَ، ما أَسْرُّ بیومِ فِطْرِ	ولا أضحی، ولا بَعْدِیرِ خَمٍّ
و کم اَبَدی تشیعه غوی	لأجل تنسب ببلادِ قَمٍّ

(ترجمه: ای روزگار غدار، راه خود گیر و در کمین دگران باش، مصیبتی به بار آوردی و کاش نیاوردی. شیر و پلنگ را گناهی نیست اگر که شکار خود را به خاک می‌افکنند؟! با خوی

۱. معری، ۱۳۷۶: ۷۶

۲. معری، بی تا: ۳۱۹/۲

درندگی پا به جهان نهاد، چونان که شنهای رونده در بیابان روانند. پرتوی هست اما چشم نابینا احساس نکند و سخنی حق که در گوش کران جا نکند. به جانت سوگند که نه در عید فطر شادمانم و نه در روز قربان و نه در عید غدیر. فراوان بینم سرگشته ای راه تشیع پوید، از این رو که بلاد قم منزل و مأوای اوست).

معری، بدایتاً از ابراز انزجار و تحسر از بی‌وفایی روزگار به سبب جنایتی که پیش آورده، زبان به انتقاد از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام می‌گشاید و از جدایی و فراق آنان شکوه می‌کند. همو، با سوگند یاد کردن به جان خویشتن، بزرگی روز عید غدیر خم را نیز به مخاطب می‌نمایاند و بدین وسیله ارادت خود را به امام علی علیه‌السلام و ولایت او نشان می‌دهد. قابل ذکر است که لازمه شاد شدن یا نشدن شاعر در عید غدیر، اعتقاد به اصل جریان غدیر خم است؛ و اینکه معری بیان داشته که نه در عید فطر شادمانم و نه در روز قربان و نه در عید غدیر، در واقع به این معناست که او غدیر را نیز به مانند فطر و قربان، عید دانسته است؛ و ایشان فخر فروشی و تظاهر را نشانه تشیع واقعی نمی‌داند و معتقد است که انسان قلباً باید اعتقاد داشته باشد. می‌توان این ابیات از غدیریه معری را برهانی قاطع بر رد نظریه منکران دین و مذهب ایشان قلمداد نمود. تا جایی که ابن عدیم (۶۶۰هـ) نیز در جلد چهارم از کتاب «الإنصاف والتحری فی دفع الظلم والتجری عن أبی العلاء المعری»، موضوع بی‌انصافی ناقدان معری پرداخته است (ابن عدیم، بی تا: ۷۷/۴ - ۱۸۰).

## ۱۱-۲. طلب شفاعت از پیامبر، امام علی و حضرت فاطمه علیهم‌السلام

«حقیقت شفاعت طلبی جز دعاخواهی نیست» (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۵۳) خداوند متعال طلب استغفار از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را که در حقیقت همان طلب شفاعت از ایشان است، جایز می‌داند: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ (النساء: ۶۴) (ترجمه: و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند).

شیخ طوسی در این باره می‌گوید: «الشفاعة ثبت عندنا للنبي صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و كثير من اصحابه ولجميع الائمة المعصومين و كثير من المؤمنين الصالحين» (شیخ طوسی، بی تا، ۲۱۲/۱) (ترجمه: نزد ما شیعیان اثنا عشری) خداوند امتیاز شفاعت خواهی را به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بسیاری از اصحاب ایشان و تمامی امامان معصوم و بسیاری از مؤمنان صالح عطا نموده است).

معری نیز در رساله الغفران که سفرنامه‌ای خیالی درباره دیدار از «جهان آخرت» و گفت و گوی او با شاعران روزگار جاهلی و دوره اسلامی و دیگر ادیبان داشته است. ضمن یک سفر خیالی به جهان آخرت، موضوع طلب شفاعت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، علی علیه‌السلام، حضرت فاطمه علیها‌السلام و

حضرت حمزه علیه السلام را نیز مطرح کرده است: «... سأله: أخبرني كيف كان خلاصك من النار، وسلامتك من قبيح الشنار؟ فيقول: سحبتني الزبانية إلى سقر، فرأيت رجلاً في عرصات القيامة يتلأأ ووجهه تلالؤ القمر... فقلتُ من هذا الرجل؟ فقيل: هذا حمزة... ناديت: يا سيّد الشهداء، يا عمّ رسول الله صلى الله عليه وآله... فقال: إني لا أقدر على ما تطلب. ولكنني أنفذ معك تورا، أي رسولا إلى ابن أخي علي بن أبي طالب، ليخاطب النبي صلى الله عليه وآله، في أمرك. قلت لعليّ: وقد كنت أومن بالله وبالْحساب وأصدق بالبعث وأنا في الجاهلية الجهلاء، فذهب علي إلى النبي صلى الله عليه وآله، فقال: يا رسول الله، هذا أعشى قيس قد روي مدحه فيك، وشهد أنك نبي مرسل... فشفع لي» (معري، ۱۹۰۷: ۱/۵۷).

(ترجمه: ... معری - در حین سفر خیالیش به جهان دیگر، اعشی شاعر دوره جاهلی را می بیند که دارای چهره زیبایی شده است - از او می پرسد: چگونه از آتش دوزخ نجات یافتی؟ اعشی پاسخ می دهد: وقتی مأموران عذاب مرا به سوی دوزخ می کشاندند، مردی را در محیط قیامت دیدم که چهره اش همانند ماه می درخشید، گفتم این مرد کیست؟ گفتند این حمزه علیه السلام است، صدایش زد، ای سرور شهیدان، ای عمومی پیامبر صلى الله عليه وآله...، پس گفت من نمی توانم در آنچه تو می خواهی کمکت کنم، ولی مأموری را به همراهت می فرستم تا تو را نزد برادر زاده ام، علی بن ابی طالب علیه السلام ببرد تا برایت با پیامبر صلى الله عليه وآله صحبت نماید، به علی گفتم: من به خدا و روز حساب ایمان آورده بودم و قیامت را باور داشتم، در حالی که در دوره جاهلیت و نادانی بودم، پس علی علیه السلام نزد پیامبر رفت و گفت: ای رسول خدا! این اعشی پسر قیس است و ستایش او در مورد شما روایت شده است و شهادت داده که شما رسول خدا هستید... آنگاه، برایم طلب شفاعت کرد) (خراسانی، ۱۳۷۳: ۱۲/۶-۱۷).

همو، در داستان دیگری این گونه می نویسد: «... فقالوا: ما نصنع بك؟ فقلت: إن مولاتنا فاطمة علیها السلام قد دخلت الجنة مذهر، وإنها تخرج في كل حين مقداره أربع وعشرون ساعة من الدنيا الفانية... ثم تعود إلى مستقرها من الجنان، فإذا هي خرجت كالعادة، فاسألوا في أمري بأجمعكم، فلعلها تسأل أباهما فيّ فلما حان خروجها ونادى الهاتف: أن غصوا أبصاركم يا أهل الموقف حتى تعبر فاطمة بنت محمد صلى الله عليه وآله، اجتمع من آل أبي طالب خلق كثير، من ذكور وإناث، ممن لم يشرب خمرًا، ولا عرف قط منكرًا... وكان فيهم علي بن الحسين وابناه محمد وزيد، وغيرهم من الأبرار الصالحين. ومع فاطمة علیها السلام... خديجة ابنة خويلد ابن أسد... و عبد الله، والقاسم، والطيب، والطاهر، وإبراهيم: بنو محمد صلى الله عليه وآله» (معري، ۱۹۰۷: ۱/۵۹).

(ترجمه: ... گفتند: با تو چکار کنیم: گفتم سرورم فاطمه علیها السلام مدت زمانی است که وارد بهشت گشته است و هر از چندگاهی به اندازه یک شبانه روز دنیوی از آن خارج می گردد... و سپس

به جایگاهش در بهشت بر می‌گردد، هنگامیکه طبق معمول بیرون آمد، در مورد سرنوشت من از وی جویا شوید، شاید در مورد من از پدرش پرسد. هنگامیکه زمان خروجش فرا رسید و هاتف ندا داد: چشمانتان را ببندید تا فاطمه دختر محمد ﷺ، عبور کند، گروهی از فرزندان علی بن ابی طالب، دختر و پسر، آنهایی که شرب خمر نکرده و منکری انجام نداده بودند، جمع شدند... در میان آنها علی بن حسین ﷺ و دو پسرش محمد و زید و دیگر نیکان و صالحان بودند و همراه حضرت فاطمه، خدیجه دختر خویلد ابن أسد و عبدالله، والقاسم، والطیب، والطاهر، و ابراهیم، پسران حضرت محمد ﷺ بودند...

در این سفر خیالی می‌بینیم که معری افراد اصلی را داستانش برای طلب شفاعت، پیامبر ﷺ، امام علی ﷺ و حضرت فاطمه ﷺ دانسته است. تا جایی که به حمزه و امام علی ﷺ متوسل شده است تا برایش از پیامبر اکرم ﷺ به درگاه خداوند متعال طلب عفو و بخشش نماید. از طرفی می‌بینیم که وی مستقیماً حضرت زهرا ﷺ را مولای خویش به شمار آورده که به مدت ۲۴ ساعت پیامبر اکرم ﷺ را در بهشت ملاقات نموده است که این موضوع را نیز می‌توان نشان‌گر بهشتی بودن پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیتش از منظر شاعر قلمداد کرد. قابل ملاحظه است که شاعر نگرش و رویکردی مثبت به دین مبین اسلام و رهروان آن دارد؛ تا جایی که مکرراً ارادت خود را به پیامبر اکرم ﷺ، همسر گرامی ایشان، خدیجه بنت خویلد و نیز فرزندان علی بن ابی طالب و فاطمه ﷺ نیز نشان می‌دهد.

### ۳. نتیجه

با بررسی موردی اشعار معری در کتاب رساله الغفران و ودواوین اللزومیات و سقط الزند می‌توان گفت که ملحد و زندیق خواندن این شاعر توسط مخالفانش نوعی بی‌انصافی و بی‌رحمی است. تا جایی که اگر نتوانیم شیعه مذهب بودن او را برای مخاطبان به اثبات برسانیم؛ حداقل چیزی که گفتن آن کاملاً عقلانی و خالی از هرگونه گزافه‌گویی است، اینکه وی را نمی‌توان کافر به دین اسلام و معتقدات تشیع برشمرد؛ چرا که وی بارها در خلال اشعارش به توحید، معاد، نبوت، امامت و نماز خواندن خود اشاره کرده و بعضاً ارادت واقعی و مکنونات قلبی خود را به نبی مکرم اسلام ﷺ و اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ نشان داده است. وانگهی، وجود رویکردهای متناقض در میان مورخان درباره معری و اذعان بسیاری از مورخان دیگر به التزام او به دیانت اسلام و تشیع وی، دست کم، مانع از ملحد خواندن معری شده و راه صدور حکم قطعی بر الحاد و کافر بودن او را می‌بندد. از طرفی، هر آنچه که مورخان مخالف معری در باب الحاد و سخنان کفرآمیز او نقل نموده‌اند، غالباً در میان آثار منثور و منظوم وی دیده

نمی‌شود. بنابراین، با بررسی و تحلیل موردی آثار شاعر، چنین دریافت می‌شود که معری موحد و پارسا و نماز خوان و اهل عبادت بوده و به مذهب تشیع و مؤلفه‌های بنیادین آن هم پایبند بوده است. بر خلاف نظر مخالفان وی، همچنان که نشان داده شد، برخی اشعار و قصاید او با معتقدات شیعه بینامتنیت دینی و مضمونی دارد و شاعر غالباً مسائل فرهنگ دینی مسلمانان همانند: سرخ شدن آسمان در شهادت امام حسین علیه السلام، شجاعت امام علی علیه السلام، آفرینش چهارده معصوم قبل از آفرینش سایر مخلوقات، عشق به اهل بیت، ستاره زمین بودن امامان علیهم السلام، مسأله غدیر خم، طلب شفاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام و ... را به نظم کشیده است که این موضوع غالباً نشان از وسعت اطلاع و آگاهی شاعر از فرهنگ دینی تشیع و ارادت ایشان دارد. بنابراین توصیفات، شاید بتوان حسادت حاسدان بر قدرت علمی و ادبی معری و نگاه نقادانه، پرابهام و شک برانگیز و اسلوب ابتکاری و غریب او در فلسفه هستی، جامعه، دین، حکومت و ... را از جمله عواملی قلمداد نمود که در متهم ساختن معری به الحاد و بی‌دینی بی‌تأثیر نبوده‌اند.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. ابراهیمی، محمود، (۱۳۸۱ش)، شرح فارسی دیوان ابوالعلاء معری، سندج: انتشارات دانشگاه کردستان.
۲. ابن ابی جمهور احسائی، (بی تا)، عوالی اللالکی، قم: انتشارات سید الشهداء.
۳. ابن بابویه، علی بن حسین قمی (۱۳۸۵ق)، علل الشرایع، نجف: منشورات المكتبة الحیدریه.
۴. ابن بابویه، علی بن حسین قمی (بی تا)، کمال الدین و اتمام النعمه، تهران: اسلامیه.
۵. ابن خلکان، شمسالدین ابوالعباس، (بی تا)، وفيات الاعیان فی ابناء الزمان، بیروت: دارالثقافه.
۶. ابن عدیم، عمر بن أحمد (بی تا)، الإنصاف والتحری فی دفع الظلم والتجرى عن أبی العلاء المعری، بی جا: بی نا.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق) مناقب آل ابی طالب، ج ۴، قم: انتشارات علامه.
۸. ابوالعلاء المعری، (۱۹۰۷م)، رساله الغفران، صححها ووقف علی طبعها: ابراهیم الیازجی، مصر: مطبعه أمین هندیه.
۹. احمد بن حنبل (۱۴۰۳ق)، فضائل الصحابه، محقق: وصی الله محمد عباس، بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۰. احمد بن حنبل (۱۴۱۹ق)، مسند احمد بن حنبل، بیروت: عالم الکتب.
۱۱. اربلی، علی بن عیسی (بی تا)، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، تبریز: نشر بنی هاشمی.
۱۲. امینی، عبدالحسین، (۱۳۹۷ق)، الغدیر، جلد ۱، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۳. بروجردی، سید محمد ابراهیم، (۱۳۷۵ق)، تفسیر جامع، قم: چاپخانه آفتاب.
۱۴. -ستری، نورالله (م ۱۰۱۹ق)، شرح إحقاق الحق وإزهاق الباطل، تعلیقات سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی.
۱۵. حر عاملی، (۱۴۲۵ق)، اثبات الهداه، ج ۵، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. حسینی عاملی، محمدجواد (۱۴۱۹ق)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، محقق: محمدباقر خالصی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۷. حسینی گیلانی، سید اشرف الدین نسیم شمال، (۱۳۳۸ق)، دیوان باغ بهشت، تهران: کتابخانه مجلس شورای ملی.

۱۸. خدیو جم، حسین (۱۳۸۱ش)، مقدمه بر کتاب عقاید فلسفی ابوالعلاء تألیف عمر فروخ، تهران: انتشارات فیروزه.
۱۹. خراسانی، شرف‌الدین (۱۳۷۳)، «ابوالعلاء معری»، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶ صص ۱۰-۲۵.
۲۰. راوندی، قطب‌الدین (۱۴۰۹ق)، الخرائج والجرائح، قم: مؤسسه الإمام المهدي.
۲۱. سبجانی، جعفر، (۱۳۸۶ش)، آیین وهایت، قم: نشر مشعر.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمان، (۱۳۹۹ق)، بغیة الوعاة في طبقات اللغویین والنحاة، ج ۲، بیروت: دارالفکر.
۲۳. شبر، جواد (۱۴۰۹ق)، أدب الطف أو شعراء الحسين، بیروت: دارالمرتضى.
۲۴. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، (بی تا)، التیان فی تفسیر القرآن، تحقیق وتصحیح: تحقیق احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (بی تا)، الاحتجاج، تحقیق ابراهیم بهادری و محمد هادی به، قم: انتشارات اسوه
۲۶. طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب، (۱۴۲۰ق)، جامع البیان فی تأویل القرآن، محقق: احمد محمد شاکر، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۷. طه حسین، و گروهی از نویسندگان، (۱۹۶۵م)، تعریف القدماء بابی العلاء، قاهره: دارالکتب.
۲۸. عروسی حویزی، شیخ عبد علی بن جمعه، (بی تا)، تفسیر نور الثقلین، قم: مطبعة العلمية.
۲۹. فاخوری، حنا، (۱۳۸۱ش)، تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۵، تهران: انتشارات توس.
۳۰. فروخ، عمر، (۱۳۸۱ش)، عقاید فلسفی ابوالعلاء، تهران: انتشارات فیروزه.
۳۱. قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۷۰)، سفرنامه، تصحیح دبیر سیاقی، تهران: زوار.
۳۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (بی تا)، اصول کافی، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. ماردینی، عبدالرحیم، (۲۰۰۴م)، دیوان الامام الحسین (علیه السلام)، دمشق: دارالمحبة.
۳۴. متز، آدام، (۱۳۶۴ش)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.



۳۶. مختاری، قاسم، (۱۳۸۴ش)، میراث ماندگار ادب شیعی، اراک: انتشارات دانشگاه اراک.
۳۷. معری، ابوالعلاء، (۱۳۷۶ق)، سقط الزند، بیروت: دار صادر للطباعة والنشر.
۳۸. معری، ابوالعلاء، (بی تا)، اللزومیات، ج ۱ و ۲، تحقیق: امین عبدالعزیز الخانجی، قاهره: مکتبه الخانجی.
۳۹. مکارم الشیرازی، ناصر (۱۳۸۸ش)، مفاتیح نوین، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۴۰. مکارم الشیرازی، ناصر (بی تا)، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المُنزل، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب.
۴۱. میرزا محمد مشهدی قمی، (۱۴۰۷ق)، کنزالدقائق و بحر الغرائب، محقق: حاج آقا مجتبی عراقی، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۲. نجفی رضوی امیری، حجه الله (بی تا)، احتجاج الزهراء، چ ۲، تهران: انتشارات فروزان.

#### نشریات:

۱. ذکاوتی قراگزلو، علی رضا، (۱۳۸۸ش)، بررسی آراء و اندیشه های شاعر عرب ابوالعلاء معری، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۴۱، صص ۱۸-۲۰.
۲. شهدادی، احمد، (۱۳۸۲)، زندگی و فلسفه ابوالعلاء معری، خردنامه همشهری، شماره سوم، چهارشنبه ۹ مهر ۱۳۸۲.